خبر

در چهلمین روز درگذشت نادر طالب‌زاده

نادرترین ستاره منتشر شد

اگر به خاطر داشته باشید، در ویژه‌نامه‌ای که به مناسبت سالگرد ارتحال امام‌خمینی(ره) در روزنامه جام‌جم منتشر کردیم، محمد گلریز، خواننده آهنگ‌های خاطره‌انگیز انقلابی، در گفت‌وگویی که با گروه فرهنگی جام‌جم داشت، درباره برنامه‌های آینده خود نیز صحبت کرده بود.
در آن گفت‌وگو، گلریز از قطعه‌ای موسیقی صحبت کرده بود که در دفتر شعر، موسیقی و سرود سازمان صداوسیما در حال تولید است و به مناسبت چهلمین روز درگذشت زنده‌یاد نادر طالب‌زاده، مستندساز و فعال رسانه‌ای جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی منتشر خواهد شد.
این اثر موسیقیایی که در قالب یک نماآهنگ تهیه شده دیروز منتشر شد. خواننده این اثر محمد گلریز به همراهی گروه کر است. شاعر این اثر، محمدجواد عسکری است و هادی آزرم، آهنگسازی آن را برعهده داشته است. در این اثر موسیقیایی، ضمن توصیف شخصیت تأثیرگذار زنده‌یاد طالب‌زاده و بیان ویژگی‌های انقلابی وی، صحنه‌هایی از مراسم تشییع و تدفین او که با حضور چهره‌های تأثیرگذار فرهنگ و هنر امروز ایران برگزار شد به نمایش گذاشته شده است.

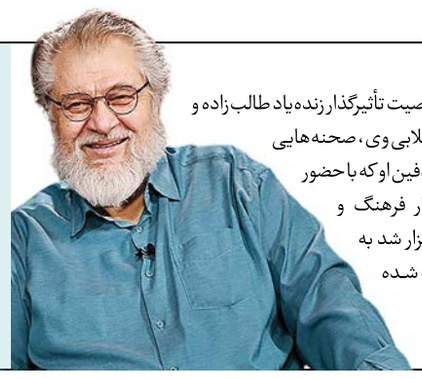

برای دیدن این کلیپ، کد زیر را اسکن کنید

امروز سالروز درگذشت استاد حمید سبزواری است

دشمن بداند ما موج خروشانیم

آرش شفاعی
دبیر فرهنگ و هنر

صدای فرج ا... سلحشور، شعر را دکلمه می‌کرد و فراز و فرودهای شعر را به‌خوبی برای مخاطب نشان می‌داد. از آن طرف صدای جوان و تازه حسام‌الدین سراج بود که شعر را می‌خواند و ما در آن سال‌های دور دهه ۶۰ به این بیت‌های انقلابی، هیجان‌انگیز و رو به جلو، عادت کرده بودیم:
تنگ است ما را خانه، تنگ است ای برادر!/ برجای ما بیگانه، ننگ است ای برادر/
فرمان رسید: این خانه از دشمن بگیرید/ تخت و نگین از دست اهریمن بگیرید
آن سال‌ها کمتر به جنبه‌های ادبی و شعری کار شاعر دقت می‌کردیم اما امروز که کارهای او را مرور می‌کنیم، با گذشت بیش از شش سال از درگذشت شاعر و حدود چهار دهه از سرودن شعرها، می‌بینیم که شعرها همچنان ضرباهنگ دارند، جان و خون دارند و در مخاطب حرکت و کشش ایجاد می‌کنند:
جانان من برخیز و بشنو بانگ چاووش/ آنک امام ما علم بگرفته بر دوش/ تکبیر زن، لبیک‌گو، بنشین به رهوار/ مقصد دیار قدس، همپای جلودار...
امروز در سالروز درگذشت شاعر این شعرها، می‌خواهیم از راز زنده بودن این شعر و شعرهای شاعر بگوییم، از شعر حمید سبزواری.

عادت کرده بودیم به یک کنگره شعر یا شب شعر بزرگ برویم و حتما حمید سبزواری (درست‌تر بگویم استاد حمید سبزواری) بخشی از شب شعر باشد. راستش را بخواهید ما شاعران جوانی که دوست داشتیم زودتر شعرمان را بخوانیم و تشویق شویم، از سخنرانی‌های او قبل و بعد از شعرخوانی‌های طولانی‌اش دل‌خوشی نداشتیم اما امروز که به ماجراهای آن سال‌ها نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که شاید آقای حسین ممتحنی که همه او را به نام حمید سبزواری می‌شناسند، حق داشت که همیشه شعرخوانی‌هایش را با توصیه و اندرزهای طولانی در مورد انقلاب همراه کند. سبزواری برخلاف خیلی از شاعرانی که برای انقلاب شعر می‌گفتند و انقلاب اسلامی یکی از موضوعات مورد توجه آنها در شاعری بود، همه موضع و موضوع شعرش انقلاب بود. انقلاب اسلامی همه نگرانی، همه امید و همه عشقی بود که او در زندگی داشت.
به همین دلیل نمی‌توانست نسبت به حوادث روزگار و هر چیزی که فکر می‌کرد، انحرافی در مسیر انقلاب است بی‌تفاوت باشد و هر هفت دفتر شعر منتشر شده از او (سرود درد، سرود سپیده، کاروان سپیده، یاد یاران، گزیده ادبیات معاصر، به رنگ آمده دشمن و سرودی دیگر) شعرهای انقلابی شاعر را دربر گرفته است و رهبر انقلاب اسلامی بر دو مجموعه شاعر، مقدمه نوشته‌اند.

ادبیات در اولویت دوم؟

شاید خیلی‌ها فکر کنند که چون او شاعر انقلابی و مذهبی‌ای بوده است، به ادبیات نگاهی حاشیه‌ای داشته است. به عبارت دیگر مضمون برای او چنان اهمیت داشته است که به ارزش‌های ادبی کار توجه نداشته است. این ادعا به‌نظر من درست نیست. امروز وقتی چند دهه پس از سرودن برخی از مشهورترین سرودهایی که او شعرشان را گفته است، آنها را مرور می‌کنیم، می‌بینیم شعر همچنان جاندار و استوار است. این بیت‌ها را بخوانید:

این بانگ آزادیست کز خاوران خیزد
فریاد انسان‌هاست کز نای جان خیزد
اعلام توفان‌هاست کز هر کران خیزد
آتشفشان قهر ملت‌های دربند است
حبل‌المتین توده‌های آرزومند است...
دشمن بداند ما موج خروشانیم
زاییده بحریم، فرزند توفانیم
در سنگر اسلام بگذشته از جانیم
بازو به بازو صف به صف ما آهنین چنگیم
سنگر به سنگر جان به کف آماده جنگیم

لحن حماسی و حس و حال شورانگیز و پیش‌برنده کلام که برای یک اثر انقلابی کاملا مناسب است، نشان‌دهنده این است که شاعر بر کلام مسلط است و بدون این‌که شعر دچار سخت‌خوانی شود و ارتباط آن با مخاطبان عامه که ویژگی اصلی سرود است، از دست برود، از منظر زبان ادبی نیز استوار است و با شاعری زبان‌آور و حماسی‌سرا روبه‌رو هستیم. به عبارت دیگر، سبزواری توانسته بود هم مخاطبان خاص یعنی شاعران و ادب‌دوستانی را که به‌دنبال کلام فاخرند، با خود همراه کند و هم مخاطبان عام، معنای حرفش را بفهمند و با سروده‌هایش ارتباط بگیرند و آنان را دوست بدارند. این امر، در بیان ساده است اما تنها کسانی که با کلمات دست و پنجه نرم کرده باشند می‌دانند این ویژگی‌ها در شعر کمتر شاعری که زبانی حماسی داشته باشد، قابل جمع شدن است.
دلیل این امر شاید آن باشد که سبزواری از نخستین سال‌های نوجوانی در محیط ادبی خراسان که در ذات به زبانی حماسی و کهن، گرایش دارد برآمده بود و البته از همان ابتدای شاعری، شعر را با واقعیت‌های زندگی اجتماعی گره زده بود. او که از ابتدای زندگی مخالف رژیم شاهنشاهی بود و همه عمرش تاوان این روحیه انقلابی را داده بود، حاضر نبود شعر را به موجودی انتزاعی و دور از واقعیت‌های زندگی تبدیل کند. سبزواری در زندگی خود توفیقاتی به‌دست آورده بود که هر شاعری آرزوی داشتن آنها را دارد. بسیاری از سروده‌های او را مردم زیادی در طول این سال‌ها شنیده‌اند، دوست داشته‌اند و حتی بخش‌های زیادی از آن را از حفظ می‌خوانند، این توفیق شاید به‌دلیل شرایط اجتماعی و تبلیغات رسانه‌ای به‌وجود آمده باشد اما علت تام و تمام این توفیق نیست. شاعران بسیاری بوده‌اند که شعرهایشان در این ۴۰ سال به سرود تبدیل و از رسانه‌های رسمی کشور پخش شده اما این آثار به فراموشی سپرده شده است. رازماندگاری شعر فقط به عرضه و تبلیغات نیست، هزار و یک راز و رمز در این توفیق هست که سبزواری به این راز و رمزها بدون این‌که تلاش خاصی هم بکند، دست یافته بود.

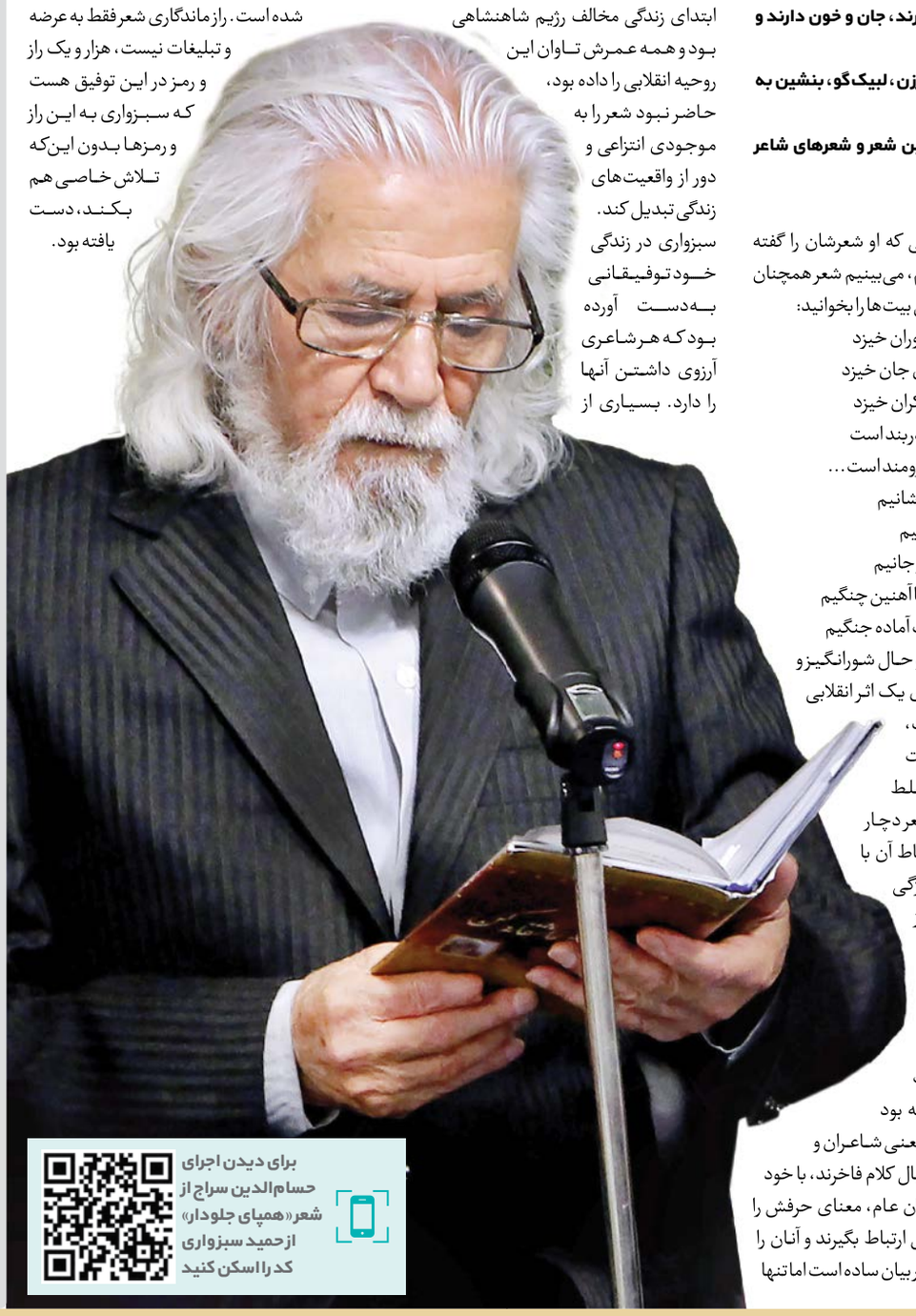

برای دیدن اجرای حسام‌الدین سراج از شعر «همپای جلودار» از حمید سبزواری کد را اسکن کنید

شاعر شعرهای بادلیل

هادی خورشاهیان
شاعر و داستان‌نویس

ما شاعران جوان دهه ۷۰ بودیم و استاد حمید سبزواری، شاعری پیشکسوت بود با چهره‌ای اساطیری. نه شعرش شباهتی به شعر شاعران مورد علاقه ما مانند قیصر امین‌پور و حسین منزوی و محمدعلی بهمنی داشت و نه منش او شبیه رفتار ما بود. شاعری حساس بود و استوار بر عقیده‌ای که داشت در شعر و زندگی و ما هنوز تجربه می‌کردیم و در شعر جست‌وجوگر بودیم و در زندگی هنوز به ثبات نرسیده بودیم. با این حال او را دوست داشتیم. خودمان را به سرودهای انقلابی‌اش مدیون می‌دانستیم و شعرهایش را با صدای خوانندگان انقلابی بسیار می‌شنیدیم. او گفتمان انقلاب بود و ما شاعران جوان انقلابی و آیینی بدون این‌که با شعرش ارتباط چندانی داشته باشیم، او را بزرگ‌تر شعر انقلاب و آیینی می‌دانستیم و بعدها که شعرهایش را بیشتر خواندیم، پی بردیم سرودهای باشکوه و تاثیرگذار انقلابی‌اش، باعث شده است شعرش را به‌خوبی نبینیم وگرنه او نیز همچون مشفق‌کاشانی و محمود شاهرخی در شعر کلاسیک استاد بوده است.
حمید سبزواری مردی راسخ بود و صریح. با کسی تعارف نداشت. عقیده‌اش را از هر تریبونی بیان می‌کرد و مردی بود که هم دین داشت و هم آزاده بود. از او خاطرات بسیار دارم که شاید تلخ‌ترین هایش بیشتر در ذهنم مانده است. روز تشییع پیکر قیصر امین‌پور یکی از آن روزها بود. استاد غمگین و ساکت در گوشه‌ای نشسته بود. سفر قیصر بر او بسیار تاثیرگذاشته بود. روز تلخی بود، چون بسیاری از شیفتگان قیصر نه حمید سبزواری را می‌شناختند و نه با شعر او همسایگی داشتند. حمید سبزواری به تعبیر خودش بی‌دلیل شعر نمی‌گفت و شعرهایش عموما مناسبتی بود و البته تاثیرگذار و در شرایط سخت روزهای پایانی سلطنت پهلوی، بسیاری از سرودهایش را سروده بود و در استودیوهای پنهان، خوانندگان آنها را خوانده بودند و به دست مردم رسیده بود. آخرین بار هم که او را دیدم، کسی او را نمی‌شناخت. مهمان جشنواره‌ای بود و همراه پسر رشیدش آمده بود و او را بدون دعوت‌نامه راه نمی‌دادند که سر رسیدیم و او را با احترام از مرز رد کردیم. حمید سبزواری دشواری‌های بسیار را پشت سر گذاشت. حتی در روزهای اوج و روزهایی که باید قدر بسیار می‌دید.

روزشمار زندگی

- ۱۳۰۴ تولد در سبزوار
- ۱۳۳۱ ازدواج
- ۱۳۳۲ تحت تعقیب قرارگرفتن به‌دنبال کودتای ۲۸ مرداد
- ۱۳۵۸ دیدار با امام خمینی(ره) پس از پخش سرود «مرتضی ای شهید مطهر»
- ۱۳۷۱ دریافت نشان درجه یک فرهنگ و هنر
- ۱۳۷۵ انتخاب کتاب سرود درد به‌عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی
- ۱۳۸۲ انتخاب به‌عنوان چهره ماندگار شعر و ادب فارسی
- ۱۳۸۵ درگذشت در تهران و تدفین در سبزوار

کجا برویم

خانه هنرمندان

نهمین جلسه مرور فیلم‌های تاریخ معاصر سینمای ژاپن در سینماتک خانه هنرمندان ایران که روز دوشنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۱ از ساعت ۱۷ در سالن استاد شهناز این مجموعه، برگزار می‌شود به نمایش فیلم «اعترافات» به کارگردانی تتسویا ناکاشیما اختصاص دارد. روابط عمومی خانه هنرمندان ایران خبر داده که این پانصدوپنجمین برنامه سینماتک است و پس از نمایش فیلم، حسین عیدی‌زاده به نقد و بررسی آن می‌پردازد.
این فیلم براساس رمانی به همین نام نوشته کانایی میناتو از سرشناس‌ترین و مهم‌ترین رمان‌نویسان معاصر ژاپن ساخته شده است.
در خلاصه داستان این فیلم دلهره‌آور آمده است: معلمی به نام یوکو موریکوچی که به‌تازگی دختر کوچکش را از دست داده، متوجه شده که مرگ کودکش نه‌تنها تصادفی نبوده بلکه پای جنایتی در میان است و قتل دخترش توسط دو نفری صورت گرفته که در کلاس او حضور دارند.

تالار وحدت

ارکستر سمفونیک تهران به رهبری نصیر حیدریان طی دو شب در تالار وحدت روی صحنه می‌رود و به‌گزارش فارس این اولین کنسرت تابستانی ارکستر سمفونیک تهران در سال جاری است.
تالار وحدت، پنجشنبه و جمعه دوم و سوم تیرماه، ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه میزبان ارکستر سمفونیک تهران به رهبری نصیر حیدریان می‌شود. پدرام یوسفی سولیست ویولن و امین غفاری سولیست ویولا همراه ارکستر هستند.
ازجمله قطعاتی که این ارکستر خواهد نواخت عبارت است از شلیل (ثمین باغچه‌بان)، ویرانه (ثمین باغچه‌بان)، سمفونی شماره ۱۰۴ (ژوزف هایدن)، سمفونی کنسرتانت برای ویولن، ویولا و ارکستر (ولفگانگ آمادئوس موتسارت). علاقه‌مندان می‌توانند بلیت این اجرای ارکستر سمفونیک تهران را از سامانه ایران کنسرت تهیه کنند.

فرهنگستان هنر

در پاسداشت روز جهانی صنایع‌دستی، مراسمی با عنوان «کلک خیال‌انگیز» در تالار ایران فرهنگستان هنر برگزار می‌شود. روابط عمومی فرهنگستان خبر داده که در این مراسم ۱۰ نفر از هنرمندان پیشکسوت تجلیل می‌شوند. همچنین برگزاری نمایشگاه و کارگاه صنایع‌دستی و هنرهای سنتی از دیگر برنامه‌های جنبی این مراسم است که تا ۲۵ خرداد ادامه خواهد داشت.
نمایشگاه کلک خیال‌انگیز نیز همزمان با این مراسم در مؤسسه فرهنگی هنری صبا برپا می‌شود. در این نمایشگاه حدود ۵۰ اثر از آثار هنرمندان پژوهشکده هنرهای سنتی در حوزه قلم‌زنی، خاتم‌کاری، منبت و معرق، سازهای سنتی، سفال، میناکاری، گچبری و نگارگری به نمایش گذاشته می‌شود.
کارگاه‌های آموزشی با حضور هنرمندان برجسته پژوهشکده هنرهای سنتی از دیگر برنامه‌های کلک خیال‌انگیز است که از ۲۲ تا ۲۵ خرداد برپا خواهد بود. علاقه‌مندان برای شرکت در این برنامه می‌توانند به نشانی خیابان ولیعصر، پایین‌تر از چهارراه طالقانی، شماره ۱۵۵۲ مراجعه کنند.

نمای نزدیک

پروژه بعدی ترنس مالیک اعلام شد

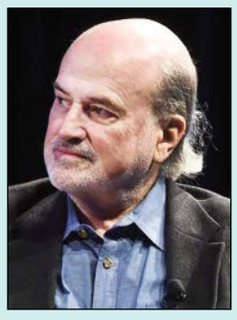

کیت بلانشت، بازیگر و ترنس مالیک، کارگردان در یک پروژه جدید به نام «اوولور» «Evolver» همکار شده‌اند که به‌عنوان یک تجربه واقعیت مجازی اینتراکتیو و پر از موسیقی توصیف شده و قرار است در جشنواره فیلم ترایبکا به نمایش گذاشته شود.
این پروژه توسط هنرمندانی از بریتانیا، فرانسه و آمریکا تولید شده و مخاطب را درون بدن انسان می‌برد. مخاطب می‌تواند با جریان اکسیژن در بدن انسان حرکت کند و درنهایت به یک سلول زنده برسد. خالقان آن قصد دارند این پروژه واقعیت مجازی را گسترش دهند تا بتوانند در مقیاس بزرگ‌تر آن را در جشنواره‌ها و موزه‌های سراسر جهان به نمایش بگذارند و تا سقف ۱۰۰ نفر همزمان از آن استفاده کنند.
مالیک و بلانشت به‌عنوان تهیه‌کننده اجرایی در پروژه حضور دارند و با ادوارد آر. پرسمن، تهیه‌کننده کارکشته هالیوودی همکاری می‌کنند. پرسمن و مالیک نخستین همکاری خود را سال ۱۹۷۳ در فیلم «زمین‌های لم‌یزرع» تجربه کردند که اولین فیلم ساخت مالیک بود. / ورایتی

«رسم محمود» برگزار می‌شود

درگذشت حجت‌الاسلام سیدمحمود دعائی که در تمام سال‌های بعد از انقلاب، مدیریت مؤسسه اطلاعات را برعهده داشت، اتفاقی تلخ برای همه کسانی بود که در رسانه‌های کشور حضور دارند و در تمام این سال‌ها، حضور او را در سپهر رسانه‌ای کشور و تعامل او را با فعالان فرهنگی از نزدیک دیده بودند. حالا قرار است اصحاب فرهنگ، هنر و رسانه در نشستی گردهم آیند و یاد این پیشکسوت رسانه‌ای را گرامی بدارند. «رسم محمود» عنوان آیین گرامیداشت مرحوم دعائی است که سه‌شنبه، در تالار وحدت تهران برگزار خواهد شد. طبق اعلام روابط‌عمومی معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، رسم محمود، عنوان آیین گرامیداشت یاد و خاطره مرحوم حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدمحمود دعائی، نماینده ولی‌فقیه و سرپرست فقید مؤسسه مطبوعاتی اطلاعات است که قرار است با حضور شماری از چهره‌ها، شخصیت‌ها و سیاست‌گذاران فرهنگی، هنری و رسانه‌ای کشور برگزار شود. این مراسم ساعت ۱۱ تا ۱۳ سه‌شنبه ۲۴ خردادماه برگزار می‌شود. / جام‌جم

منصور ضابطیان؛ کارگردان یا نویسنده؟

منصور ضابطیان در مراسم جشن امضای کتاب «استامبولی» در قم با بیان این مطلب که کتاب‌نوشتن برایم اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده‌است، گفت: در کتاب استامبولی هدف این بوده است که وجه دیگری از شهر را برای مخاطب بیان کنم. این کارگردان تلویزیون بیان کرد: من بارها گفته‌ام وقتی شما را به تلویزیون می‌شناسند خوشحال می‌شوم اما وقتی می‌آیند می‌گویند کتاب‌تان را مطالعه کرده‌ایم یا فلان مطلب را از شما خوانده‌ایم پرواز می‌کنم چون وقتی بحث تلویزیون است خیلی انتخابی صورت نمی‌گیرد اما وقتی می‌رود کتاب را می‌خرد به این معناست که مخاطب پول پرداخت کرده تا اندیشه تو را بخواند. درباره مطبوعات و کتاب هم اینجا اضافه کنم بخش مطبوعاتی خیلی لذت‌بخش بود، آن‌هم در دورانی که مطبوعات دوران طلایی خودش را سپری می‌کرد اما مطبوعات باد هواست؛ یک روز هست و بعد می‌رود اما کتاب می‌ماند و به آن رجوع می‌شود. ممکن است الان کسی گفت‌وگوهای مطبوعاتی من را به یاد نیاورد اما به کتاب‌ها رجوع می‌شود. در بین همه این‌ها، کتاب‌نوشتن برایم اهمیت ویژه‌ای دارد. / ایبنا

نگاه‌های نادرست به ژانر وحشت

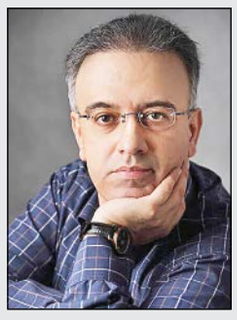

سیامک گلشیری با بیان این‌که داستانی‌های فانتزی و وحشت به یک ذهن قصه‌گو نیاز دارد، می‌گوید: اگر فکر می‌کنید ژانر وحشت این‌طور است که قلم را بگذارید روی کاغذ و شروع کنید به نوشتن یک صحنه ترسناک و بعد هم نوجوان‌ها و جوان‌ها می‌خوانند و لذت می‌برند و بعد هم آن کار تبدیل می‌شود به یک داستان ماندگار، سخت در اشتباهید.
وی با بیان این‌که این‌طور نیست که من رفته باشم سراغ ژانر وحشت، بهتر است گفته شود این سوژه است که نویسنده را گیر می‌اندازد، گفت: عده‌ای با شنیدن کلمه ژانر وحشت، بی‌درنگ یاد فیلم‌های چندش‌آوری شبیه چندگانه «اره» می‌افتند یا فیلم‌های دیگری از این دست که در آنها سعی شده با خون و جدا کردن اجزای بدن و صحنه‌هایی از این دست، وحشت را القا کنند، درحالی‌که احتمالا هیچ خبری از رمان «قلعه اوترانتو» ندارند. قطعا به‌دقت «ربکا» را نخوانده‌اند یا «جین ایر» یا حتی «آرزوهای بزرگ» دیکنز را. «گل سرخی برای امیلی» در پایان مو به تن آدم سیخ می‌کند. / ایسنا